فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲، ص ص ٥٤-۲۷

نقش اخوان‌المسلمین در انقلاب ۲۰۱۱ مصر در پرتو رابطه ساختار ـ کارگزار

جلیل دارا[1]
استادیار علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

مصطفی کرمی[2]
دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۲/۱٤
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰٥/۲۸

چکیده

تحولات سال ۲۰۱۱م در مصر که منجر به سرنگونی رژیم حاکم و آغاز دوره‌ای جدید در نظام سیاسی این کشور شد به‌عنوان یک انقلاب دارای دلایل وقوع، بسترها، نتایج، پیامدها و کارگزارانی است. این نوشتار در صدد است تا به این پرسش پاسخ دهد که اخوان‌المسلمین به‌عنوان یک نیروی سیاسی و اجتماعی چه تأثیری در پیش‌برد انقلاب مصر داشته است. در پاسخ به این پرسش این فرضیه ارائه می‌شود که اخوان با اتخاذ ایدئولوژی اسلامی و سازمان‌دهی سیاسی و اجتماعی در طی دوران فعالیت با موضعی برآمده از سنت اسلامی و برخی هنجارهای مدرن به‌عنوان بسترهای فرهنگی و اجتماعی موجود در تحولات انقلاب ۲۰۱۱ مصر نقش مؤثری داشته است. برای آزمون این فرضیه از مفهوم رابطه ساختار – کارگزار استفاده شده است که در آن اخوان‌المسلمین به‌عنوان کارگزار و فرهنگ جامعه مصر به‌عنوان ساختار و بستر کنش، مورد توجه قرار گرفته است.
واژه‌های کلیدی: اخوان‌المسلمین، انقلاب مصر، کارگزار، ساختار، فرهنگ اسلامی، فرهنگ مدرن.

1. jaliledara@gmail.com.
2. karami1975@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.20286/priw-030327]

مقدمه

این پرسش که افراد و گروه‌های سیاسی و اجتماعی چه تأثیری در روند وقوع و رویداد یک انقلاب دارند و با تکیه بر چه ایدئولوژی‌ای بسیج سیاسی را صورت می‌دهند همواره در مطالعه انقلاب‌ها مورد توجه خاص پژوهش‌گران و محققان قرار می‌گیرد. این مسئله ریشه در نوع نگاه به رویدادها، فرایند و کارگزاران انقلاب‌ها دارد. این سؤال که آیا انقلاب‌ها می‌آیند یا به‌وسیله کارگزارانی ساخته و سازمان داده می‌شوند، محور تمایز بسیاری از نظریه‌های انقلاب است.

تازه‌ترین رویدادهای اجتماعی و سیاسی‌ای که می‌شود از آنها به‌عنوان «انقلاب»[1] نام برد، انقلاب‌های عربی است که از زمستان سال ۲۰۱۱ آغاز و سرانجام به سقوط رژیم‌های حاکم در چهار کشور تونس، مصر، لیبی و یمن منجر گردید. از میان این کشورها، مصر به‌واسطه تأثیرات و پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی‌ای که بر جای می‌گذارد و جایگاهی که از نظر تأثیرگذاری بر روند تحولات اجتماعی ـ سیاسی و همچنین معادلات قدرت در میان کشورهای منطقه داراست، اهمیت شایان توجهی دارد. از این‌رو، بررسی توانایی و قابلیت نقش‌آفرینی افراد و گروه‌های سیاسی ـ اجتماعی و جریان‌های فکری، به‌عنوان کارگزاران انقلاب، اهمیت ویژه‌ای در شناسایی و مطالعه این انقلاب دارد. برای درک ابعاد مختلف این تحول انقلابی این پرسش مطرح می‌شود که اخوان‌المسلمین به‌عنوان یک نیروی سیاسی و اجتماعی چگونه در پیش‌برد انقلاب مصر تأثیرگذار بوده است. در پاسخ به این پرسش این فرضیه ارائه می‌شود که اخوان با اتخاذ ایدئولوژی اسلامی و سازمان‌دهی سیاسی و اجتماعی در طی دوران فعالیت با موضعی برآمده از سنت اسلامی و برخی هنجارهای مدرن به‌عنوان بسترهای فرهنگی و اجتماعی موجود در تحولات انقلاب ۲۰۱۱ مصر، نقش مؤثری داشته است.

پیرامون دلایل، کنشگران، نتایج و ریشه‌های تحولات دو سال اخیر در دنیای عرب، کتب و مقالاتی منتشر شده است که ادبیات این تحقیق را تشکیل می‌دهند؛ اما هیچ‌کدام از این نوشته‌ها با نگاه ساختار ـ کارگزار به این موضوع نپرداخته‌اند. با توجه به اهمیت نیروهای سیاسی و اجتماعی در انقلاب‌ها و ضرورت شناخت اندیشه‌ها و شیوه‌های عمل

1. revolutions.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-030327]

آنها که در پیروزی انقلاب‌ها مؤثر است و نیز پیامدهای سیاسی آن، چه از نظر داخلی و چه بین‌المللی، این تحقیق در صدد است به نقش و جایگاه یکی از پرنفوذترین نیروهای سیاسی در مصر، یعنی اخوان‌المسلمین، بپردازد. این تحقیق در سه بخش سازمان‌دهی شده است: بخش اول به ارائه تعریفی از انقلاب و انقلاب مصر در سال ۲۰۱۱ می‌پردازد؛ در بخش دوم، حیات سیاسی و اجتماعی و افکار و اندیشه‌ها و رویه‌های عمل اخوان‌المسلمین مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ سرانجام بخش سوم به تبیین اقدامات اخوان در روند انقلاب مصر ـ به‌عنوان کارگزار ـ و فرهنگ جامعه مصر ـ به‌عنوان ساختار ـ می‌پردازد. این پژوهش از نظر زمانی به مقطع فعالیت‌های این جنبش تا پیروزی انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ اشاره دارد و به حوادث پس از آن نمی‌پردازد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چارچوب نظری

انقلاب‌ها به‌عنوان پیچیده‌ترین پدیده‌های اجتماعی حاوی ابعاد مختلفی هستند. از این‌رو، در مطالعات مربوط به انقلاب‌ها تعاریف مختلفی از این مفهوم با نگاهی متفاوت به ابعاد گوناگون این پدیده سیاسی ـ اجتماعی ارائه شده است. از نظر هانتیگتون[1] «انقلاب یک دگرگونی داخلی سریع، اساسی و خشونت‌آمیز در ارزش‌ها و اسطوره‌های غالب جامعه، نهادهای سیاسی، ساخت اجتماعی، رهبری، فعالیت و سیاست‌های حکومت است» (هانتینگتون، ۱۹۷۰: ٢٦٤). از منظر کارگزاری، نقش شرکت‌کنندگان در حرکت جمعی انقلاب را می‌توان به‌طور کلی به دو گروه رهبران و پیروان تقسیم کرد. رهبران کسانی هستند که در سطوح مختلف جنبش نقش تشویق‌کننده، آگاهی‌دهنده، سازمان‌دهی، بسیج، تأمین منابع، جهت دادن و ایجاد وحدت بین مردم را ایفا می‌کنند (پناهی، ۱۳۸۹: ۷۵). این رهبران گاه به‌صورت یک شخص و زمانی به‌صورت یک سازمان و تشکیلات ظاهر می‌شوند و کارویژه سازمان‌دهی و بسیج را صورت می‌دهند و پیروان شامل افرادی از جامعه می‌شوند که تحت بسیج سیاسی و اجتماعی قرار گرفته و جهت مشارکت در فرآیند و رویدادهای انقلاب به کنش‌گرانی فعال تبدیل می‌شوند (کینگ، ۱۳۸۵: ١٤).

1. Samuel P. Huntington.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.20286/priw-030327]

در بررسی انقلاب‌ها و ابعاد و عوامل مختلف آنها از نظریه‌های مختلف استفاده می‌شود. نظریه ساختار ـ کارگزار[1] یکی از نظریه‌هایی است که به بیان فرایند انقلاب و نقش کارگزاران و ساختار به‌ویژه با تأکید بر ساختار فرهنگی می‌پردازد؛ چنان‌که اریک سلبین[2] بیان می‌کند: «عرصه سیاست سمبلیک،[3] حافظه جمعی و بستر اجتماعی سیاست که همگی ساخت‌های عمیقاً داوطلبانه هستند، برای درک و بررسی فرایندهای انقلابی از اهمیت محوری برخوردارند. از این‌رو، در رخداد یک انقلاب آنچه مهم به‌نظر می‌رسد این است که: نه ساختارها و بعضی از قطعات گسترده تاریخ، بلکه ایده‌ها و بازیگران هستند که نیروهای اصلی در فرایندهای انقلابی به‌شمار می‌روند، انقلاب‌ها مخلوقات بشر هستند و نه فرآیندهای طبیعی و اجتناب‌ناپذیر. بنابراین، باید نه بر صرف ساختارها، بلکه بر مردم، نه برجبرگرایی بلکه برانتخاب‌ها و نه بر گذارهای صرف بلکه بر دگرگونی جامعه تمرکز کنیم» (سلبین، ۱۳۸۷: ۱۲۰). جان فورن[4] در این خصوص می‌گوید: «فعالیت‌های فرهنگی، جهت‌گیری‌ها، نظام‌های معناسازی و چشم‌اندازهای اجتماعی» در ساختن انقلاب تأثیر دارند. آرمان‌گرایی، نظامی از اندیشه‌ها نیست، بلکه فرایندی اجتماعی است که شامل «کنش‌گران معینی» می‌شود که بیش از «باورهای سیاسی آگاهانه» به «نظام‌های فرهنگی» گسترده‌تری متکی هستند (فورن، ۱۳۹۰: ۲۷۱). در این مبنای تحلیلی «فرهنگ به‌تنهایی کارآمد نیست، توانایی انقلابیون و به‌ویژه رهبران انقلابی در فراهم کردن زمینه‌ای که در آن سنت‌های فرهنگی متجلی شود یا بازسازی گردد، شایان اهمیت است» (سلبین، ۱۳۹۰: ۱۷۴-۱۷۳). به‌عبارتی، ضروری است در بررسی انقلاب‌ها، هم نقش کارگزاران انقلاب (عمل و ایدئولوژی آنها) و هم ساختار سیاسی و اجتماعی و فرهنگی با هم مورد توجه قرار گیرد.

بر مبنای نگاه فوق دو محور اصلی منجر به انقلاب عبارتند از: ۱. نقش‌های کارگزاری یا عاملان و ۲. جایگاه و اهمیت ساختارها. «کارگزاری، یعنی توانایی کنشگر برای کنش آگاهانه از طریق تلاش برای رسیدن به اهداف خود؛ که دربردارنده اختیارات است. بنابراین،

1. Structure -Agence.
2. Eric Selbin.
3. Symbolic Politics.
4. John Foran.

فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.20286/priw-030327]

کنش نتیجه تفکر آگاهانه بازیگر اســـت. ســـاختار نیز به معنای بستر و معطوف به زمینه‌ای است که رویدادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در چارچوب آن شکل می‌گیرند» (های، ۱۳۸۵: ۱۶۰-۱۵۹). از ایـــن منظر جنبش‌هـــای انقلابی فقط می‌توانند در قالب تحلیل عامل ـ ســـاختار قابل فهم باشـــند و این مستلزم آن اســـت که بدانیم افراد در شرایط ساختاری متفـــاوت، قواعد تصمیم‌گیری متفاوتی را بـــه‌کار می‌برند. این قواعد به نوع فهم عاملیت از روابط ســـاختاری حال و گذشته مربوط است. با در نظر گرفتن این واقعیت روشن می‌شود که نقش سازمان‌های انقلابی و ایدئولوژی آنها نقش رابط بین ساختارها و عاملیت‌ها است. نتیجه این رهیافت ادغام کردن ایدئولوژی در نظریه انقلاب است» (پناهی، ۱۳۸۹: ۳۰٤).

بنابراین هر کنش اجتماعی دربرگیرنده ساختاری است و هر ساختاری به کنش اجتماعی نیاز دارد؛ بنابراین، عاملیت و ساختار به‌گونه‌ای جدایی‌ناپذیر در فعالیت روزمره در یکدیگر تنیده شـــده‌اند (گیدنـــز،[1] ۱۹۸٤: ۱۹-۱٤). بدین ترتیب، رابطه متقابل ســـاختار و کارگزار، تحولات اجتماعی و سیاســـی جدیدی رقم می‌زند که در آن هم ساختار و هم کارگزار نیز تحول یافته‌اند. گیدنز در تبیین دیدگاه خود، «مســـأله دوگانگی ساختاری» را طرح می‌کند. دوگانگی ساختاری به نحوه ارتباط کارگزار و ساختار اشاره دارد. بر این اساس، ساختارهای اجتماعی از یک جهت واســـطه وقوع کنش‌های کارگزاران هســـتند و یا به عبارتی شرایط عمل کارگزاران را فراهم می‌کنند و از طرفی نیز خودشـــان به‌وسیله همان کنش‌ها بازسازی می‌شوند. به نظر او، جامعه‌شناسی معمولاً ساختار را نوعی ویژگی مقیدکننده یا تعیین‌کننده حیات اجتماعی می‌داند؛ اما در واقع ســـاختار، چاره‌ساز نیز هست (سیدمام،[2] ۱۹۹٦: ۱٤۸). در واقع ارزش‌های فرهنگی، هنجارها و نمادها، ساختارهای اجتماعی ـ سیاسی و رفتارهای فردی را شکل می‌دهند.

آنچه در بررسی تغییر و تحولات جوامع می‌توان بدان دست یافت این است که «حوزه عمل انسان به شرایط خاص تاریخی بستگی دارد. مسلماً اعمال انسان‌ها با محدودیت‌های خاصی مواجه اســـت که به‌وسیله ساختارها ایجاد می‌شوند؛ ساختارها غالباً طیف خاصی از امکان‌ها را مشـــخص می‌ســـازند، امّا بی چون و چرا آنچه را که مردم انجام می‌دهند دیکته

1. Anthony Giddens.
2. Seidmam.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-030327]

نمی‌کنند. تعامل شرایط ساختاری و عمل انسانی، که هیچ‌یک بدون دیگری نمی‌تواند وجود داشـــته باشد، تاریخ بشر را خلق می‌کند. گزینه‌ها مورد بررســـی قرار می‌گیرند، انتخاب‌ها انجام می‌شـــود و راه‌ها دنبال می‌گردند. بررسی‌های درســـت و پاسخ‌های رضایت‌آمیز در نظریه‌ای نهفته است که بتوانند کارگزارها و ساختارها را همراه نقش‌های معنادار هر یک در نظر بگیرند» (ســـلبین، ۱۳۸۷: ۱۲۸). بنابراین، فرهنگ بستر و زمینه کنش جمعی را تشکیل می‌دهد. در این نگاه، فرهنگ (به نظامی از معناها، نگرش‌ها و ارزش‌ها) و اشکال سمبلیک (نمایش‌ها و مصنوع‌های) مشـــترک اشـــاره دارد که در این نظام بیان و متجلی شده‌اند. آن دسته از سمبل‌هایی که می‌توانند گذشته، حال و آینده را در یک نگرش منسجم به جهان، و در یک اســـطوره قابل استفاده با رنگ و بوی تقریباً جهانی ترکیب کنند از اهمیت و قدرت ویژه‌ای برخوردارند. کســـانی که بر مسند قدرتند می‌کوشند به سمبل‌هایی که موقعیتشان را حفظ می‌کنند توســـل جویند یا چنین سمبل‌هایی را خلق نمایند. برعکس، کسانی که علیه این حاکمان صف‌بندی کرده‌اند به‌دنبال استفاده از سمبل‌هایی مناسب (گاهی اوقات مشابه سمبل‌های مورد استفاده حاکمان) برای سرنگونی حاکمان‌شان هستند (سلبین، ۱۳۸۷: ۱۳۶).

بدین‌ترتیب، رهبران انقلابی برای برانگیختن و بســـیج مردم از مفاهیم جاودانه اســـتفاده می‌کنند. ایده‌آل‌هایی نظیر عدالت، آزادی (آزادی انجمن، بیان و مذهب)، برابری، برخورداری از فرصت و رهایی (رهایی از ترس، گرسنگی و بدبختی) در جهانی که بسیاری از انسان‌ها از هیچ‌یک از آنها بهره‌مند نیستند، هنوز مفاهیمی جذاب و قدرتمند محسوب می‌شوند (سلبین، ۱۳۸۷: ۱۲۳-۱۲۲). همچنین برای فهم دلایل تأثیر فرد و فرهنگ در وقوع یک انقلاب باید به این نکته توجه کرد همچنان که گلدستون[1] نیز اشاره کرده است دو عامل در وفاداری فرد به گروه مؤثر است: یکی اینکه فرد برای دریافت کالا و خدمات ارزشمند به گروه وابسته باشد. منظور گلدستون از کالاها و خدمات ارزشمند، انواع مختلفی از نیازهای ضروری شامل امنیت، حیثیت، مشارکت و انواع مختلف رفاه است. دیگر اینکه اعضای گروه اطلاعات کافی درباره نحوه عمل اعضای خود داشـــته باشند. لذا بیشـــتر اعضای یک گروه که ارزش و هنجارهای مربوط به مشارکت فعال در گروه خود را فراگرفته‌اند، به گروه خود متعهد و وفادار می‌مانند. بر این اساس، برای اینکه کنش انقلابی روی دهد، یک یا دو شرط زیر باید محقق شود: اول،

1. Jack Goldestone.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-030327]

فرد متعلق به گروهی باشد که منافع و خدمات جمعی لازم را از آن می‌گیرد و گرایش قوی به آن دارد و عمل اعتراضی یا انقلابی برای همه اعضای گروه فواید مشخصی داشته باشد؛ دوم، اینکه فرد به گروهی متعلق باشد که در گذشته خدمات جمعی به فرد می‌داده است، هرچند اکنون دیگر قادر نیست آن منافع و خدمات را تأمین کند (پناهی، ۱۳۸۹: ۳۱۰).

تحولات کشورهای عربی به‌مثابه انقلاب

زمستان سال ۲۰۱۱ سرآغاز یک رشته تحولات در کشورهای عربی شمال آفریقا و خاورمیانه، از جمله کشور مصر، شد که سرانجام منجر به سرنگونی رژیم‌ها از جمله رژیم مبارک در مصر گردید. فرسودگی حکومت و عدم گردش نخبگان، شخصی بودن قدرت، سرکوب سیاسی و فساد گسترده، مهمترین ویژگی‌های ساختار سیاسی دوران مبارک محسوب می‌شد که زمینه‌های بحران مشارکت[1] و بحران مشروعیت[2] را فراهم می‌آورد. در این میان، بدون شک رشد سریع جمعیت و بیکاری گسترده به‌ویژه در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، دستمزدهای پایین، فقر گسترده، شکاف طبقاتی عظیم، ناهنجاری‌های عمیق اجتماعی و ناکارآمدی دولت در حل مشکلات عینی مردم مهمترین عوامل عینی انقلاب مصر محسوب می‌شوند (نیاکویی، ۱۳۹۱: ٥٤). با وجود چنین شرایطی نیروهای سیاسی، از جمله اخوان‌المسلمین که سابقه ۸۰ سال فعالیت سیاسی و فرهنگی در جامعه مصر دارند، توانستند بسیج سیاسی موفقی را شکل داده و رژیم حاکم را ساقط نمایند. در مجموع، تراکم بحران‌های کارآمدی و مشروعیت شرایط انفجارگونه‌ای را در جامعه مصر ایجاد نمود که تنها مترصد جرقه‌ای کوچک بود. در اصل، حوادث تونس و موج برآمده از آن در جهان عرب، اعتراضات مردمی را در مصر برانگیخت و در پی کشته شدن یک جوان مصری به‌دست پلیس، جوانان مصری از طریق صفحه‌ای اینترنتی با نام «کلنا خالد سعید» مصری‌ها را به انقلاب ۲۵ ژانویه فراخواندند (قزوینی حائری، ۱۳۹۰: ٦٢-٦١).

این تظاهرات به دعوت مجموعه جوانان ٦ آوریل بر روی فیسبوک و تحت عنوان «روز خشم» انجام گرفت. حجم و گستره تظاهرات بی‌سابقه بود و همچنان که انتظار می‌رفت،

1. Participation crisis.
2. Legitimacy crisis.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-030327]

با توجه به بی‌توجهی اولیه رژیم به مطالبات معترضان، به یک روز ختم نشد و به‌تدریج بر دامنه و شـــدت آن افزوده شـــد. از روز ۲۸ ژانویه که به «جمعه خشم» معروف شد و برای اولین بار با مشارکت رسمی اخوان‌الســـلمین و محمد البرادعی انجام شد، نیروهای امنیتی و پلیس به‌تدریج کنترل خود را بر قاهره و دیگر شـــهرهای بزرگ مصر از جمله اسکندریه و ســـوئز از دســـت دادند و دولت، ارتش را برای دفاع از صدا و ســـیما و وزارتخانه‌ها و ســـاختمان‌های دولتی وارد خیابان‌ها کرد. در سه روز نخست اعتراضات، جوانان ٦ آوریل میدان‌دار و ســـازمان‌دهنده اصلی تظاهرات بودند. امّا از روز جمعه و با بازگشت البرادعی (رهبـــر انجمن ملی برای تغییر) و نیز اعلام مشـــارکت اخوان‌المســـلمین در تظاهرات، دو جریان دیگر نیز در کنار جوانان ٦ آوریل، نقش ســـازمان دهنده این اعتراضات را داشـــتند (نیاکویی، ۱۳۹۱: ٥٦).

در واقع می‌توان گفت گروه‌های اســـلام‌گرا از جمله اخوان‌المسلمین نیز از این جنبش حمایت کردند، اما پیوســـتن آنها در مراحل بعـــدی بود. به عبارتی، آنها آغازگر این جنبش نبودند اما به بخش مهمی از آن تبدیل شـــدند؛ به‌ویژه در هفته سوم فعالیت جنبش انقلابی در مصر، جوانان اخوانی فعالیت زیادی کردند و آخرین تلاش رژیم مبارک در دهم فوریه بـــرای برقراری حکومت نظامی و تخلیـــه میدان التحریر، با فـــداکاری و مقاومت جوانان اخوان‌المسلمین ناکام ماند (پورسعید، ۱۳۹۰: ۱۸۷-۱۸٦).

اخوان‌المسلمین و تحولات مصر: نقش کارگزاری

بـــرای اینکه نقش و جایگاه جنبش‌ها و احزاب اســـلام‌گرایی همانند اخوان‌المســـلمین در انقلاب سال ۲۰۱۱ مصر مشخص شـــود باید به این نکته مهم توجه داشت که نقش‌آفرینی اخـــوان در این انقـــلاب را نمی‌توان صرفاً با اتکا به انقلاب‌های کلاســـیک توضیح داد که در آن نقش افراد در رهبری و پیروزی انقلاب‌ها تعیین‌کننده و بارز نشـــان داده می‌شـــود؛ چـــرا که در مصـــر «رهبری» از جمله عوامـــل غایب در انقلاب ۲۵ ژانویـــه بود. در واقع، جنبش انقلابی مصر به لحاظ رهبری، بیشـــتر به جنبش‌های جدید اجتماعی شـــبیه است تا جنبش‌های کلاسیک. از جمله تفاوت جنبش‌های جدید اجتماعی و کلاسیک یا قدیم، نبود رهبری آونگارد یا حزب پیشـــگام در رأس جنبش اســـت. رهبری در این جنبش‌ها صنفی

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
۳۴
سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.20286/priw-030327]

جمعی و غیرمتعین در شـــخص خاص اســـت و جنبش اجتماعی، پیش از آنکه حول یک فرد جمع شـــود، حول ایده‌ای خاص مثل برابری‌خواهی، حقوق بشر یا دموکراسی‌خواهی و یا هر ایده‌ای که با حمایت مردمی همراه باشد، شکل می‌گیرد. این وضعیتی است که در انقلاب‌های مصر و تونس به‌وضوح قابل مشـــاهده بود (پورســـعید، ۱۳۹۰: ۱۸٤). در اینجا و در تبیین نقش کارگزاری اخوان‌المســـلمین ضروری است در ابتدا به بسترهای تاریخی، دوره‌های فعالیت و کنشـــگری آنها در جامعه و سیاست مصر و ایده اسلام‌گرایی این گروه به‌عنوان شاخص‌های یک عامل یا کارگزار در بستر جامعه فرهنگی و دینی اشاره شود.

۱. اخوان‌المسلمین: اصول، افکار و اهداف

اخوان‌المســـلمین به‌عنوان یک تشکّل اسلام‌گرا، دارای ســـابقه فعالیت تشکیلاتی به طول نزدیک به یک قرن، در ســـال ۱۹۲۸ توســـط حسن‌البناء تأسیس شـــد. در واقع با تشکیل اخوان‌المســـلمین در مصر سنگ بنای اولین جنبش اســـلام‌گرا گذاشته شد (خواجه‌سروی و دیگران، ۱۳۹۱: ۷). عنایت درباره تأســـیس این تشـــکل می‌گوید: جمعیت اخوان زاییده مقتضیات سیاســـی و اجتماعی مصر در نخستین سال‌های پس از جنگ جهانی اول بود؛ از جمله، رواج بی‌دینی میان روشـــنفکران و درس‌خواندگان و گسترش فکر علمانیت[1] پس از پیروزی کمال آتاتورک و برانگیخته شـــدن احساسات سیاسی مصریان در پی انقلاب سال ۱۹۱۹ بـــر ضد انگلیس و آرزوی همگانی ایشـــان برای اصلاح اوضـــاع داخلی مصر. ولی اخوان اگر از یک‌سو برای حاکمیت تعالیم اساسی اسلام بر زندگی اجتماعی و سیاسی مصر می‌کوشیدند، هدف دیگر آنان تحقق یگانگی عرب و برافکندن یوغ آن قدرت‌های اروپایی بود که به وطن اسلامی دست درازی کردند (عنایت، ۱۳۷۰: ۲٤).

افکار و اندیشـــه‌های اخوان‌المسلمین به‌عنوان یک جنبش اسلامی و همچنین یک گروه سیاسی، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است؛ اگرچه در طول زمان و با توجه به دگرگونی‌های مختلف در شـــرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تحولاتی در اندیشه‌ها و افکار این جنبش به چشـــم می‌خورد. اصول کلی حاکم بر اندیشـــه اخوان از آغاز شکل‌گیری آن عبارت از مـــوارد ذیل بوده اســـت: ۱. حاکمیت دین: حاکمیت مطلق در امـــور دین و دنیا منحصر به عبادت نیســـت، بلکه حکومت کردن و دولت‌مداری را هم دربر می‌گیرد؛ ۲. فقدان مرزهای

1. secularism.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-030327]

جغرافیایی: اسلام قائل به وجود مرزهای جغرافیایی نیست و تمایز بر اساس تابعیت خونی را قبول ندارد. از نظر اســـلام همه مســـلمان‌ها یک امت واحد هستند و وطن اسلامی آن‌ها یکی است؛ ۳. تمسک به اندیشه حکومت اسلامی: اخوان‌المسلمین اعتقاد دارد که خلافت رمز وحدت اسلامی و مظهر ارتباط بین امت‌های اسلامی است و بر همه مسلمانان واجب است به این موضوع به‌عنوان یک اصل اسلامی اهتمام ورزند. اخوان تفکر خلافت و تلاش جهت اعاده آن را در سرلوحه امور خود قرار داده است. حسن‌البناء همچنین تأکید می‌کرد که حکومت باید به تعالیم اســـلام رجوع کند و آنها را در جامعه به‌طور مسالمت‌آمیز اجرا نماید و از افکار قدیم و جدید شـــرقی و غربی تا حدی که با تعالیم اســـلام منافات نداشته باشد، استفاده کند (سلطانی‌فرد، ۱۳۹۰: ۱۱-۹).

اهداف اخوان‌المسلمین عمدتاً بر شش اصل زیر استوار بوده است:

۱. اصل علمی: تفســـیر و توضیح کامل قرآن کریم با بازگشت به اسلام اصیل و زدودن غبار گذشته تاریخی از چهره آن و پاک کردن هرچه ناخالصی و دروغ و خرافات از ساحت مقدس آن.

۲. اصل عملی: متحد ساختن ملت مصر و ملل اسلامی بر پایه اصول قرآنی، بازگشت به اسلام اصیل و تربیت نسل جدید بر مبنای اصول آن تا ملت آینده ملتی قرآنی باشد. نزدیک کردن نقطه‌نظرهای فرقه‌های مختلف اسلامی به یکدیگر.

۳. اقتصادی: رشد ثروت ملی و حفاظت از آن از طریق بالا بردن سطح زندگی، عدالت اجتماعـــی فردی و گروهـــی، تضمین فرصت‌های برابر برای همـــگان، محدود کردن نفوذ خارجی در اقتصاد مصر، تشـــویق صنایع داخلی و تشـــکیل اتحادیه‌های کارگری به‌منظور ارتقای سطح زندگی اقتصادی و اجتماعی زحمت‌کشان.

٤. اجتماعی نوع‌دوستانه: خدمات اجتماعی، تلاش برای محو بی‌سوادی، بیماری و فقر، و تشویق به انجام کارهای مفید، عام‌المنفعه و سودآور.

۵. ناسیونالیستی و میهن‌پرستانه: آزادی دره نیل و تمامی کشورهای عربی و سرزمین‌های اســـلامی از چنگال خارجیان، کمک به اقلیت‌های اسلامی در تمامی سرزمین‌ها برای آنکه بتوانند حقوق از دست رفته خویش را به‌دست آورند، حمایت از اتحاد عرب، تلاش مستمر در راه تشکیل جامعه بین‌المللی اسلامی.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-030327]

٦. انسان‌گرایانه و جهانی: ترغیب به ایجاد جامعه‌ای بر مبنای اصول اخلاقی ـ چه مادی و چه معنوی ـ از طریق قوانین جهانی اسلام (سیدالحسینی، ۱۳۷۵: ۸۲).

۲. دگرگونی فکری و خط‌مشی

پس از انقلاب ۱۹۵۲ و در ادامه روش سرکوب‌گرانه جمال عبدالناصر در قبال اخوانی‌ها، این جنبش در معرض سرکوب شدید و خشونت‌آمیز قرار گرفت و همین، زمینه بروز گرایشات متفاوت در میان اعضای آن را پدید آورد. تجربه زندان و شکنجه، بعضی از اعضا را به سمت افراط کشاند و به این نتیجه رساند که دولت باید به هر قیمتی حتی با خشونت ساقط شود، اما اکثریت گروه بر سر اصول اولیه سازمان مبنی بر اصلاحات تدریجی باقی ماندند. پس از آن، بسیاری از اعضای اخوان‌المسلمین به خارج از کشور تبعید شدند: آنهایی که به عربستان سعودی رفتند تحت تأثیر ایدئولوژی خشک سعودی‌ها قرار گرفتند؛ گروه دیگری که به ترکیه و اندونزی هجرت کردند با جوامعی مواجه شدند که با وجود اکثریت مسلمان دارای طیف گسترده‌ای از گروه‌ها و اجتماعاتی بود که به طور مسالمت‌آمیز در کنار هم زندگی می‌کردند؛ عده کمی از آنها نیز در کشورهای غرب ساکن شده و سنت اروپایی آزادی‌های دموکراتیک را به ارث بردند. امروزه اخوان‌المسلمین حاوی چنین نگرش‌های متفاوتی است، اما رهبری جنبش که متعلق به نسل بنیان‌گذاران است، چندان برای نسل جوان که با جهان آزاد در ارتباط بوده و دل‌مشغول اصلاحات داخلی و شیفته مدل حکومتی ترکیه‌اند الهام‌بخش نیستند (رمضان، ۱۳۹۰: ٦٦-٦٥). در واقع، در درون اخوان‌المسلمین طیفی از نگرش‌ها و دیدگاه‌های گاه متضاد به چشم می‌خورد و نمی‌توان آن را یک گروه کاملاً همگن و یک‌دست تلقی کرد. بر اساس تقسیم‌بندی دکمیجان، اخوانی‌ها، به‌ویژه کادر رهبری آن، به دو جناح محافظه‌کار (سنت‌گرا ـ عمل‌گرا) و نوگرا (مدرنیست ـ خردگرا) تقسیم می‌شوند. این اختلاف از یک سو میان رهبران قدیمی و کهن‌سال گروه و نیروهای جوان‌تر و تازه نفس‌تر بود، و از سوی دیگر ناشی از دو نگاه بود: یکی خواستار تداوم دیدگاه‌ها و عملکردهای گذشته بود، دیگری به ارائه تفسیری مدرن از اسلام می‌اندیشید و خواهان انعطاف و عمل‌گرایی بیشتر در رابطه با دنیای خارج بود (نبوی، ۱۳۸٤: ۷۷).

اگرچه در کنگره پنجم، حسن‌البناء خطاب به اعضا چنین گفت که «ما به اصول و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-030327]

تعالیم اســـلام و به این موضوع که آنها دارای جامعیت بوده و حاوی مسائل مردم در دنیای مادی و آخرت هســـتند، اعتقاد داریم. اسلام، یک ایدئولوژی و یک آئین نیایش و نیز یک وطن، یک ملّیت، یک مذهب، یک کشور، یک روح، یک کتاب و یک شمشیر است. روش رسیدن به این هدف، گسترش دامنه دعوت به جهاد است و ایجاد یک دولت مذهبی، یکی از اهداف اســـت؛ زیرا حکومت یکی از پایه‌های اسلام می‌باشد» (آقایی و صفوی، ۱۳٦٥: ۲٦)، در دهـــه ۱۹۹۰ جنبش اخوان در ارائه رویکرد نوین فکری و سیاســـی در مواجهه با برخی پرســـش‌ها پیش‌قدم گردید. مهمترین این پرسش‌ها و چالش‌ها عبارتند از: منشأ حق حاکمیت و سازگاری‌های اعمال حاکمیت، کیفیت مشارکت اسلام‌گرایان در قدرت، احکام جزایی اســـلام، آزادی مذهبی و مسئله تســـاهل در برابر اقلیت‌های دینی و مذهبی، حقوق زنان و مســـئله برابری زن و مرد، حقوق شـــهروندی و محدودیت‌های حاکمیت در برابر حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی (مارتین، ۱۳۸۹: ۱۷۳-۱۷۰). انتشار دو یاداشت یا بیانیه اخوان‌المسلمین در مارس ۱۹۹٤ مهمترین نماد تحول فکری اخوان بود. در این یادداشت‌ها اخوان‌المسلمین شعار سنتی خود «قرآن قانون اساسی ماست» را به شعار «ضرورت شورای ملی یا پارلمان» تغییر داد. اخوان‌المســـلمین در این بازاندیشی، بر حفظ آزادی‌های عمومی و خصوصی، تعیین مســـئولیت رهبران سیاسی و رســـیدگی آزادانه به عملکرد آنها توسط پارلمان و حق مشارکت و انتخاب زنان تأکید کرد. پارلمان مذکور، از دید اخوان از قدرت قانون‌گذاری و نظارت کامل برخوردار است، نماینده خواست و اراده مردم بوده و مصوبات آن لازم‌الاجراست (ابراهیم و دیگران، ۱۳۸۵: ۲٤٥-۲٤٤).

این تحولات فکری اخوان‌المســـلمین، هم زمینه بازاندیشی گسترده فکری و سیاسی را میان اسلام‌گرایان منطقه در دوره دولت‌های اقتدارگرا و هم پذیرش و بیان این افکار را در دوره انقلاب‌های اخیر عربی فراهم کرده اســـت. نمونه این تأثیر، در افکار و عقاید حزب اســـلامی «النهضه» تونس و رهبر آن راشد الغنوشی آشکار است. رویکرد و مواضع سیاسی ـ عقیدتی رهبران حزبی آن ـ که در انتخابات مجلس مؤسســـان قانون اساسی تونس در ۲٥ اکتبر ۲۰۱۱ با کسب ٤۱ درصد آراء موفقیت بزرگی را به‌دست آورد ـ بیانگر بازاندیشی‌های قابل تأمل اسلام‌گرایان در فقه سیاسی سنتی خود می‌باشد (جوانپور و هاشمی، ۱۳۹۰: ۹۷).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-030327]

۳. رویه‌های عمل

اخوان‌المسلمین از بدو پیدایش به‌واسطه نوعی استراتژی تدریجی و طولانی در مراحل آغازین حرکت خود بر اسلام‌گرایی اجتماعی تأکید می‌نمود. حسن‌البناء بنیان‌گذار اخوان‌المسلمین در سخنانی بیان نموده: «وظیفه ما به‌عنوان اخوان‌المسلمین آن است که برای اصلاح نفس و قلب و جانمان و اتصال آن به خداوند متعال بکوشـــیم و سپس جامعه‌مان را چنان سازمان دهیم که به‌صورت جمعیت‌های متعددی درآید که خوبی و نیکی بر آن حاکم است و بدی‌ها در آن راه ندارد تا از آن یک دولت صالح برخیزد» (بیات، ۱۳۷۹: ۱۰۳).

اخوان این اســـتراتژی را در طول پنجاه سال به اجرا گذارد و با ارائه خدمات اقتصادی و اجتماعی از نوع خیریه و مددرسانی اجتماعی، در برابر ناکارآمدی بوروکراتیک حکومت مصر قد علم نمود. به این معنا، اخوان نوعی ویژگی انجمنی یافت؛ یعنی از طریق هسته‌های سازمان‌یافته در مساجد، مدارس، انجمن‌های جوانان، سازمان زنان، درمانگاه‌ها، تعاونی‌های کار و نیز گروه‌های ورزشـــی اقدام به بســـیج اجتماعی در جامعه مدرن کرد. این استراتژی به تحکیم پایه‌های اجتماعی اخوان‌المسلمین انجامید و کمک کرد تا اسلام‌گرایی به بخشی از زندگی روزانه مردم مصر تبدیل شـــود (بیات، ۱۳۷۹: ۱۰۱). آنها در تداوم این استراتژی، در طول ســـالیان سال تلاش کردند از ورود به سیاســـت خشونت‌آمیز پرهیز کنند و از این راه در جهان عرب، از ســـوریه و اردن تا فلســـطین و عراق، مقبولیت و محبوبیت بخرند. این ویژگی پس از پیروزی انقلاب اســـلامی تقویت شـــد. دلیل این امر آن بود که انقلاب اسلامی، جنبش‌های اسلامی مخالف را تقویت کرد و به آنها امید و الهام بخشید (اسپوزیتو و پیسکاتوری، ۱۳۸۸: ۳۳۲).

رهبران اخوان‌المسلمین بارها بر نفی خشونت تأکید کرده‌اند؛ چنان‌که عمر تلمسانی در ســـال ۱۹۸۲ چنین اعلام کرد: «اسلام هرگونه سوءقصد و کشت و کشتار را محکوم می‌کند و تا موقعی که مسلمان هستیم به این اصول پایبند هستیم» (آقایی و صفوی، ۱۳٦٥: ۲٤۳). بعدها نیز مصطفی مشهور، مرشد عام بعدی اخوان، گفت: «ما خواهان کودتا برای به دست گرفتن قدرت نیســـتیم؛ چرا که روش ما صلح‌آمیز است. ما خشن و خون‌ریز نیستیم. ما به قانون پایبندیم و از طریق سازمان‌های قانونی، همانند سندیکاها، اتحادیه‌های دانشجویی و شوراهای محلی عمل می‌کنیم» (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۷٤).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-030327]

اخوان‌المسلمین از دهه ۱۹۸۰ به بعد دو رویکرد اساسی را دنبال کرد: ۱. حضور در قدرت و سیاست؛ ۲. تقویت نهادها و سازمان‌های مدنی. در واقع، به‌دنبال روی کار آمدن حسنی مبارک فشارهای دولت برای فعالیت‌های سیاسی کاهش چشم‌گیری یافت و علی‌رغم سرکوب نیروهای رادیکال، احزاب قانونی از ۵ حزب در سال ۱۹۸۱، به ١٤ حزب در سال ۱۹۹۵ افزایش یافت. نمایندگان وابسته به اخوان در مجلس، همچنان که عمرتلمسانی خاطرنشان کرده بود، با انتقاد از سیاست‌های دولت، آن را برای اجرای قانون شریعت تحت فشار قرار دادند و حتی سیاست‌های سرکوب‌گرانه زمان انور سادات را نقد نمودند. زمانی که اخوان در اکتبر ۱۹۹۰ تصمیم به تحریم انتخابات گرفت، رفتار خود را همچون یک سازمان سیاسی قانونی تنظیم کرد و در این زمینه با دیگر احزاب همسو شد. رهبران احزاب و سازمان‌های تحریم‌کننده انتخابات در کنفرانس مطبوعاتی مشترکی گفتند که «از شرکت در راه‌اندازی یک نمایش دموکراتیک جعلی خودداری خواهند کرد». به هر صورت، شرکت در انتخابات پارلمانی مرحله مهمی از حیات اخوان‌المسلمین مصر به‌شمار می‌آید؛ چرا که بهترین نشانه میانه‌روی رهبران گروه است و از مصلحت‌سنجی آنان و پذیرش عملی چارچوب‌ها و قواعد موجود سیاسی (حداقل‌گرایی سیاسی) حکایت می‌کند (نبوی، ١٣٨٤: ٧٣).

بعد دوم، توجه اخوان به نهادهای مدنی و انجمن‌های صنفی بود. اخوان‌المسلمین از همان آغاز فعالیتش از اواخر دهه ۱۹۳۰، یکی از پرقدرت‌ترین سازمان‌های مصری شد؛ اقشار مختلف جامعه نظیر بوروکرات‌ها، دارندگان مشاغل و حرفه‌ها، دانشجویان، کارگران، فروشندگان کوچک و بعضی روستائیان مجذوب شدند و به عضویت آن درآمدند (دکمیجان، ۱۳۷۷: ۱۵۰). این گروه که تا سال ١٩٨٤ فقط در انجمن پزشکان نفوذ داشت، تا سال ۱۹۹۰ توانست تمامی سندیکاهای حرفه‌ای به‌جز انجمن روزنامه‌نگاران را در اختیار بگیرد و در ضمن، انجمن‌های خیریه وابسته به خود را گسترش دهد. مهمترین پیروزی در این عرصه در سپتامبر ۱۹۹۲ به‌دست آمد. در این سال انتخابات کانون وکلا صورت گرفت و هواداران اخوان‌المسلمین زیر عنوان «التیار الاسلامی» که به‌عنوان یکی از جناح‌های اخوان شناخته شده است، ١٤ کرسی از ۲۵ کرسی شورای مرکزی را به‌دست آوردند. با این پیروزی گویی زنگ‌های خطر برای دولت به صدا درآمد؛ چرا که این انجمن صنفی در

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-030327]

مشـــروعیت بخشی به اقدامات دولت، به‌ویژه استمرار حالت فوق‌العاده نقش مهمی داشت. در این میان، زلزله قاهره (۱۹۹۲) رخ داد که در نتیجه، اخوان به‌ســـرعت امکانات خود را بسیج کرد و به یاری زلزله‌زدگان شتافت تا ناتوانی نهادهای دولتی در کمک به زلزله‌زدگان بیش از پیش نمایان شود. در همان زمان اخوان پلاکاردهایی با عنوان «الاسلام هو الحل» را نیز برافراشـــت تا حضور مقتدرانه خود را به رخ بکشد. دولت در جهت مقابله، اطلاعیه‌ای مبنی بر اینکه «بر اســـاس قانون حالت فوق‌العاده، جمع‌آوری وجوه نقد یا توزیع کالا، جز از طریق وزارت رفاه اجتماعی یا هلال احمر ممنوع است» صادر کرد. چنین مسئله‌ای یک بار دیگر در سال ۱۹۹٤ و در جریان سیل در مصر علیا پیش آمد (نبوی، ۱۳۸٤: ۷٤-۷۳).

در واقع رویکرد اصلاحی اخوان برای تحقق جامعه اســـلامی، فردگرایانه بود. لذا معتقد بود افراد باید به‌گونه‌ای تربیت شـــوند که با معرفت به مبدأ و معاد، با اراده‌ای شایســـته و مســـتحکم و بدون هیچ نوع مکر و خدعه‌ای در راه تحقق اســـلام گام بردارند و آماده هر نوع فداکاری در این راه باشـــند. از این‌رو، مهمترین اقدام اخوان تبلیغ و تربیت مردم بوده اســـت. در کنار رویکرد فردگرایانه مزبور، اخـــوان رویکردی اجتماعی هم به خود گرفت: قوانین جامعه که بیانگر هنجارهای اجتماعی اســـت، باید برخاسته از شریعت و قرآن کریم باشـــد؛ پدیده‌ها و رفتارهای اجتماعی که به‌وسیله حکومت و قانون به نظم در می‌آید، باید هماهنگ با آداب و شریعت اسلامی باشد و حکومت و آحاد مردم در این زمینه و در مبارزه با اباحه‌گری مسئولیت خطیری دارند (آقاجانی، ۱۳۸۹: ۱۰٤).

فرهنگ جامعه مصر: نقش ساختاری

نقش عوامل ســـاختاری در جامعه مصر که در بســـتر آنها نقش کارگزاری اخوان‌المسلمین پررنگ می‌شود را در قالب دوساختار ۱.فرهنگ اسلامی و ۲.فرهنگ مدرن و غربی می‌توان بررســـی نمود که هر کدام ویژگی خاص خود را داشته و دربردارنده ارزش‌های فرهنگی، سیاســـی و اجتماعی برای گروه‌های مختلف اجتماعی هستند. در واقع، مردم آنها را به‌مثابه الگوهای عمل در زندگی روزانه خود به‌کار می‌گیرند و ارزش‌های سمبلیک خاص خود را در عرصه سیاست و دولت به نمایش گذاشته و به تبع آن نسبت به رویکردهای مختلف از احزاب سیاسی، همدلی و یا کنش هدفمند از خود بروز می‌دهند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-030327]

از طرفـــی، در مصر با دو جامعهٔ کاملاً متمایز مواجه هســـتیم. این دو جامعه را می‌توان دوگانه توده ـ نخبه نامید. گروه نخبگان مصر بین ۷ تا ۱۰ میلیون تخمین زده می‌شـــوند که بسیاری از آنها نخبگان اسلام‌گرا هســـتند؛ البته اسلام‌گرایی نخبگان مصری با اسلام سنتی توده‌ها متفاوت است. توده‌ها که اکثریت جامعه مصر هستند، بیشتر اوقات پذیرای ارزش‌ها و هنجارهای عمومی جامعه و متأثر از قابلیت کنشـــگری نخبگان هســـتند (گروه مطالعات خاورمیانه، ۱۳۹۲).

۱. فرهنگ اسلامی

بر اساس آمار موجود، حدود ۹۰ درصد جامعه مصر را مسلمانان تشکیل می‌دهند که هدف غایی و خواســـته اساســـی آنها، بر مبنای مشـــاهدات عینی جامعه مصری، اجرای شریعت اســـلامی است. آنها معتقدند اگر احکام اسلام در سایه مدیریت و حاکمیت صحیح اسلامی به اجرا درآید، مشـــکل معیشـــت، نابسامانی اقتصادی و سایر مســـائل مبتلابه جامعه مصر به‌تدریج حل خواهد شـــد (محمودیان، ۱۳۹۱: ۱۱۰). دین اســـلام به‌عنوان عنصر بنیادین در هویت‌بخشـــی به مردم منطقه، با زندگی روزمره مردم آمیخته اســـت. از این‌رو، یکی از مؤلفه‌های هویتی ـ فرهنگی خاورمیانه به‌طور عام و مصر به‌طور خاص را می‌توان اســـلام سیاســـی دانست (موســـوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۸). بر این اساس، یکی از مؤلفه‌های مهم جنبش عربی مبنای هویتی اســـلامی آن اســـت. اسلام و تحرک بر مدار آن را می‌توان مانند کلیـــت و ظرفی در نظر گرفت که جنبش در متن آن شـــکل گرفتـــه و نارضایتی را در متن خود قرار داده اســـت و به‌صورت مجموعه‌ای منســـجم به جهان ارائـــه می‌دهد. به همین علت، جنبش اخوان‌المســـلمین مدعی شکل‌دهی به نظمی سیاسی است که هویت آن مبتنی بر اســـلام بوده و در بســـتر آن می‌توان به حل معظلات تاریخی ملت‌های عرب پرداخت (جمعه‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۴-۷۳).

آمارها و نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد هویت دینی مردم مصر بسیار عمیق بوده و بخشی از زندگی اجتماعی مردم محسوب می‌شود و اکثریت قاطع مردم مصر به پیوند دین و سیاست و اجرای شریعت باور دارند. این عوامل بستر مناسبی برای فعالیت جریانات مذهبی ایجاد کرده اســـت؛ به‌گونه‌ای که عملاً مهمترین مخالفان حکومت‌های مصری پس از اســـتقلال، جریانات اسلام‌گرا بوده‌اند. هم‌اکنون نیز اخوان‌المسلمین قدرتمندترین جریان سیاسی این

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-030327]

کشور محسوب می‌شود؛ همچنین جریان مذهبی نوگرایی چون «الوسط» نیز روند روبه‌رشدی دارد؛ همچنین باید به میلیون‌ها نفر از سلفی‌های مصری که در مساجد و مدارس دینی و انجمن‌های خیریه حضور دارند اشاره کرد. گسترش و ریشه‌دوانی اسلام‌گرایان در عمق جامعه مصری از روستاها گرفته تا شهرها و از انجمن‌های خیریه و نهادهای مذهبی گرفته تا تشکیلات صنفی و شغلی باعث شده که پایگاه اجتماعی اسلام‌گرایان ـ با برداشت‌های مختلف ـ وسیع‌تر از سکولارها باشد؛ این امر در نظرسنجی‌های پس از انقلاب مصر نیز متجلّی بوده است (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۷۲). برای نمونه در انتخابات سندیکاهای صنفی سال ۱۹۸٤ کاندیداهای اسلام‌گرا همواره بیش از ۵۰ درصد آراء را به خود اختصاص داده‌اند. البته دولت با دخالت و انتصابی کردن رؤسای این سندیکاها، در تلاش بود این سندیکاها را از سلطهٔ اسلام‌گرایان خارج سازد. با این حال شوراهای این سندیکاها در دست نیروهای مخالف باقی ماند. اخوان نیز از این فرصت‌ها استفاده کرد و توانست تا حدودی سیاست‌های خود را از طریق این سندیکاها دنبال کند (گروه مطالعات خاورمیانه، ۱۳۹۲).

در چنین بستر فرهنگی و علائق مذهبی است که اخوان‌المسلمین ظهور پیدا کرده و استمرار می‌یابد. در واقع، اخوان‌المسلمین از بدو پیدایش به‌واسطه نوعی استراتژی تدریجی و طولانی، در مراحل آغازین حرکت خود بر اسلام‌گرایی اجتماعی تأکید نمود. اخوان این استراتژی را در طول پنجاه سال به اجرا گذارد و با ارائه خدمات اقتصادی و اجتماعی از نوع خیریه و مددرسانی اجتماعی، در برابر ناکارآمدی بوروکراتیک حکومت مصر قد علم نمود. این استراتژی به تحکیم پایه‌های اجتماعی اخوان‌المسلمین انجامید و کمک کرد اسلام‌گرایی به بخشی از زندگی روزانه مردم تبدیل شود (بیات: به نقل از: پورسعید، ۱۸۸-۱۸۷).

بر اساس تئوری جنبش‌های اجتماعی از جمله نظریه معروف چارلز تیلی،[1] تحت عنوان «بسیج منابع»[2] که معتقد است گروه‌های معارض بدون وجود سازمان‌دهی، نمی‌توانند بسیج عمومی به‌وجود آورند، جنبش اخوان‌المسلمین مصر توانست از یک سو با بهره‌گیری از تجارب سودمند گذشته، سازماندهی اعضاء و نفوذ معنوی ـ کاریزماتیک در لایه‌های مختلف

1. Charles Tilly.
2. Resource Mobilization.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.20286/priw-030327]

اقشار جامعه، و تشکیلاتی و منسجم عمل کردن، و نیز تأثیر عناصر ذهنی ـ عینی فوق‌الذکر از ســـویی دیگر، افکار عمومی قســـمت اعظمی از جامعه مصر را بسیج و به سمت هدف مطلوب، یعنی خلاصی از رژیم مبارک و سپس مراحل آتی خیزش سوق دهد (محمودیان، ۱۳۹۱: ۱۱۱). در تحلیل پیوســـتگی انقلاب با خواســـته‌های مذهبی جامعه مصر علاوه بر مسائل اقتصادی و معیشتی و نیز فساد و ناکارآمدی رژیم، «عدم توجه دولتمردان مصری به خواسته‌های دینی ـ مذهبی عامه مردم از جمله اجرای شریعت اسلامی، آن‌گونه که شایسته و بایسته جامعه دینی است، به سخره گرفتن باورهای دینی ـ سیاسی مردم (نظیر باور تنفر از صهیونیسم) و در نهایت، اصرار آشکار حاکمیت در حمایت از ظلم رژیم صهیونیستی در حق مردم فلســـطین، به‌ویژه مردم غزه، همگی این عوامل، باعث انباشت نارضایتی گسترده مردم مصر در کلیت اقشـــار آن در طول چند دهه شده بود و این بار توانست با بهره‌گیری از بارقـــه امید به‌وجود آمـــده در جهان عرب، قدرت و بغض‌هـــای فروخورده خود را در میدان تحریر قاهره در ژانویه ۲۰۱۱ به نمایش بگذارد» (محمودیان، ۱۳۹۱: ۱۱۰). در واقع، جامعه اخوان‌المسلمین، بیش از هر سازمان دیگری محور ایدئولوژیک و نهادی بنیادگرایی اسلامی در محیط عربی و اسلامی بوده است. اخوان‌المسلمین بیش از ۵۰ سال است که با وجود سرکوب دولتی و تضادهای داخلی، بقای خود را حفظ کرده است. پویایی لازم برای بقای اخوان‌المســـلمین، در اســـاس و بنیان ادیان و فرهنگ اسلامی که ویژگی روانی اغلب مصری‌هاست ریشه دارد (دکمیجان، ۱۳۷۷: ۱۱۷).

از این‌رو، با بررسی جامعه مصر می‌توان به این نتیجه رسید که بخشی عمده‌ای از جامعه این کشور پیوندهای عمیقی با مذهب داشته و مذهب شاکله اصلی فرهنگ و هویت آنها را تشـــکیل می‌دهد. بنابراین، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود که گروه‌های سیاسی و اجتماعی نظیر اخوان در بســـتر آن رشـــده کنند و آن را به‌مثابه ایدئولوژی دگرگون‌ساز و ترسیم‌گر جامعه مطلوب خود به‌کار گیرند و از این طریق مردم را برای تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی بسیج نمایند. به عقیده دکمجیان از دهه ۱۹۸۰ اسلام‌گرایان طرفدار حرکت‌های سیاسی گام به گام، تحت رهبری اخوان‌المســـلمین که احساسات احیاگرانه مردمی را بیش از هر زمان به نفع خود می‌دیدند، در تعیین برنامه سیاســـی مصر و مشخص کردن پارامترهای گفتمان عمومی ابتکار عمل را به‌دســـت گرفته بودند. در حالی که رژیـــم و رادیکال‌ها با یکدیگر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-030327]

به جنگ مشغول بودند، اخوان‌المسلمین و متحدان آن از طریق موقعیت‌های انتخاباتی و پارلمانی چشمگیر، به‌طور فزاینده‌ای نقش سیاسی خود را بسط و گسترش می‌دادند. در ضمن، در میان متفکران، روزنامه نگاران، سیاست‌مداران و روحانیون مصری مباحثاتی جریان داشت که از مجادلات ایدئولوژیک غالب بر چارچوب وسیع‌تر گفتمان روشنفکری عرب حکایت می‌کرد (دکمیجان، ۱۳۹۱: ۳۲۰-۳۱۹).

بخش‌هایی از نظرسنجی مؤسسه مرکز تحقیقاتی پیو،[1] یک مؤسسه معتبر نظرسنجی، در آوریل ۲۰۰۹ می‌تواند میزان دلبستگی جامعه مصری را به ارزش‌های مذهبی نشان دهد. بر اساس این نظرسنجی، ۸۲ درصد مردم مصر از حکم سنگسار حمایت می‌کنند و ۵۹ درصد مردم در کشمکش میان «مدرن»ها و «بنیادگرایان» طرف بنیادگرایان را می‌گیرند. ۸٤ درصد مردم با اعدام مسلمانانی که از دین خارج می‌شوند موافقند. در همین حال، ۹۰ درصد مصری‌ها به آزادی مذاهب اعتقاد دارند، ۸۸ درصد آنها از سیستم قضایی مستقل حمایت می‌کنند، ۸۰ درصد مدافع آزادی بیان هستند و ۷۵ درصد با سانسور مخالفند (زکریا، ۱۳۸۹: ٢٤).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۲. فرهنگ مدرن

مصر طولانی‌ترین تاریخ نوسازی را در جهان عرب دارد که آغاز آن به دوره اشغال مصر به‌وسیله ناپلئون بناپارت (۱۸۰۱-۱۷۹۸) برمی‌گردد. در این دوره، ارتش ملی اقدام به ایجاد یک شبکه صنعتی گسترده و نظام آموزشی نمود که به‌تدریج تغییراتی همچون ظهور بورژوازی ملی، پیدایش طبقه کارگر و متوسط حرفه‌ای را به‌همراه داشت. این دست اقدامات نوگرایانه در دوره‌های مختلف باعث رشد یک طبقه روشنفکر متأثر از اندیشه‌های غرب در مقابل «الازهر» شد. طی این دوره‌ها به‌ترتیب نهادها و سازمان‌هایی از جمله اتحادیه‌های کارگری، احزاب سیاسی، تعاونی‌ها، اتاق‌های بازرگانی، انجمن‌های حرفه‌ای، جنبش‌های فمینیستی ایجاد و اتفاقاتی نظیر انتشار روزنامه‌ها و مجلات، ظهور گفتمان‌های سیاسی، تأکید بر انتخابات آزاد، حقوق شهروندی، توسعه سیاسی و اقتصادی، رواج ناسیونالیسم، خصوصی‌سازی، نهادهای مدنی، افزایش تحصیل‌کردگان دانشگاهی و غیره صورت گرفت (بیگدلی، ۱۳۷۰: ١٤٢).

1. PEW research center.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]
[DOI: 10.20286/priw-030327]

فرهنگ مدرن در جامعه مصر نیز بخش مهمی از ساختار فرهنگی و هویتی جامعه را در بر گرفته و یا آن را به انحاء مختلف تحت تأثیر قرار داده اســـت. در این خصوص نیز باید به این نکته اشاره داشت که تحولاتی که از آغاز قرن نوزدهم و قرن بیستم در جهت تحقق فرآیند نوســـازی در این کشـــور صورت گرفت، تغییرات عمده‌ای را در فرهنگ بخشی از مردم به‌وجود آورده است. در واقع، افزایش تحصیلات، رشد اقتصادی، گسترش ارتباطات، تغییـــر موقعیت زنان و افزایش حضور آنان در عرصه‌هـــای اقتصادی و اجتماعی، افزایش شهرنشینی و افزایش صنعتی شـــدن، فرهنگ متناسب با خود را به‌همراه آورده است که تا حدودی متمایز از فرهنگ عمومی و سیاسی بخشی دیگر از جامعه است. علاوه بر این، از نظر سیاســـی نیز وجود حکومت‌های اقتدارگرای فاسد، سرکوب، ناکارآمدی و خشونت و ضعف در اســـتقلال عملی در مقابل قدرت‌های خارجی، بخش‌هایی از جامعه را به سمت بهره‌گیری از ساختارهای کم‌هزینه‌تر و کارآمدتر و مردم‌سالاری سوق داده است.

مصـــر در طول یک دهه پایانی حکومت مبارک، اصـــلاح اقتصاد خود را آغاز کرد. در طول این سال‌ها، مبارک با تشویق پسرش جمال که بانکدار تحصیل‌کرده غرب بود، گروهی از اصلاح‌طلبان پرانرژی را در کابینه‌اش منصوب کرد تا اقتصاد مصر را از نو بســـازند. آنها مالیات‌ها و تعرفه‌های گمرکی را پایین آوردند، دخالت‌های دولت در اقتصاد را کم کردند و یارانه‌های دولتی را کاهش دادند. بین سال‌های ۲۰۰٦ تا ۲۰۰۸ اقتصاد سالی ۷ درصد رشد کرد و حتی سال ۲۰۱۰ پس از بحران اقتصادی جهان، رشد ٦ درصدی را تجربه کرد. اما این روند کاملاً بر خلاف روند سیاســـی مصر بود (زکریا، ۱۳۸۹: ۳۳-۳۲)؛ به‌عبارتی اصلاحات قابل توجهی در روند سیاسی صورت نگرفت.

به‌هر حال، بخشی از فرآیند نوسازی جامعه و دولت لاجرم منجر به شکل‌گیری وضعیتی شـــد که نیروهای اجتماعی و سیاسی همانند اخوان بتوانند آزادی عمل برای ارتباط فکری و تشکیلاتی با جامعه برقرار نمایند؛ به‌طوری که «نویسندگان بسیاری هستند که باور دارند پیوند مهمی میان زایش جامعه مدنی و پیشبرد دموکراتیزاسیون وجود دارد. برای نمونه، در مصر از اوایل دهه ۱۹۷۰، آزادسازی اقتصادی توسط دولت از راه فرآیند انفتاح به محصول فرعی، ناخواســـته به رشـــد جامعه مدنی منجر شده اســـت. همان تأثیر محدود آزادسازی، آثار ژرفی بر صحنه سیاســـی داشته اســـت. لذا در زمان ریاست جمهوری مبارک، رژیم در

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-030327]

جســـتجوی یک عمل موازنه‌گر میان فشار برای اصلاح نظام سیاسی، ایجاد کثرت‌گرایی و فضایی میان دولت و فرد برای شکوفایی جامعه مدنی و [زوال] ترس عمیق در درون رژیم نسبت به واگذاری قدرت سیاسی به مردم یا انجمن‌های منتخب آنها برآمد. حتی حکومت مشروعیت کار انجمن‌های حرفه‌ای، صنف‌ها، اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های داوطلبانه را می‌پذیرد» (حافظیان، ۱۳۸۹: ٤٠).

در این شـــرایط امکان کنشـــگری اخوان‌المســـلمین به‌مثابه یک کارگزار در استفاده از انجمن‌های حرفه‌ای برای تغییر و تحول در ســـاختار اجتماعی و سیاسی رشد چشم‌گیری یافت. در دهه ۹۰ میلادی، جنبش اخوان‌المســـلمین مصـــر در ارائه رویکرد نوین فکری و سیاسی در مواجهه با برخی پرسش‌ها نظیر منشأ حق حاکمیت، کیفیت مشارکت اسلام‌گرایان در قدرت، احکام جزایی اســـلام، آزادی مذهبی و مسئله تساهل در برابر اقلیت‌های دینی، مذهبی و غیره پیش‌قدم گردید (مارتین، ۱۳۸۹: ۱۷۳-۱۷۰).

می‌توان گفت با توجه به بسترهای فرهنگ اسلامی و مدرن در جامعه مصری و وقوف اخوان‌المســـلمین به این مختصات جامعه مصر، این ســـازمان سیاسی و اجتماعی درصدد برآمده اســـت تا با اتخاذ رویکرد نوینی در اســـتراتژی سیاسی خود بتواند اقشار بیشتری را در این جامعه متنوع به خود جلب کند. از این‌روســـت که گفته می‌شـــود «اغلب ناظران بر این باورند که در بهارعربی ـ یا به تعبیر دیگر بیداری اســـلامی ـ دو گفتمان اســـلام‌گرایی و دموکراســـی‌خواهی، با گرایش‌های مختلف، از گفتمان حاشیه‌ای به گفتمانی تحول‌ساز و تأثیرگذار تبدیل شده و بیشترین نقش را در روند سرنگونی حکومت‌های این کشورها (در اینجا مصر) ایفا کرده‌اند. آنها به ضدیت با نظام‌های استبدادی، فاسد و ناکارامد حاکم در این جوامع برخاسته و با بهره‌گیری از دال‌های شناور،[1] اجزاء گفتمان خود را گسترش می‌دهند تا بتوانند گروه‌ها و افراد بیشـــتری را به سوی خود جذب کنند و در فرآیند تغییر موقعیت گفتمانی با مخالفت کمتری مواجه شـــوند» (یزدان فـــام، ۱۳۹۰: ۵۹). نکته حائز اهمیت در خصوص اخوان‌المســـلمین آن است که این جریان با گذشت زمان روش‌های خشونت‌آمیز را به کنار نهاده و عملاً به پراگماتیســـم و مشـــارکت مدنی و سیاســـی روی آورده است. گذشته از این، به مرور زمان توجه به مباحثی چون حقوق شهروندی، آزادی بیان، مشارکت

1. floating signifiers.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-030327]

سیاسی، دموکراســـی و حقوق اقلیت‌ها در مانیفیست اخوان پررنگ‌تر شده است؛ به‌طوری که آن را تحول در این سازمان در گذر زمان نام نهاده‌اند. البته در خصوص اخوان‌المسلمین باید توجه داشـــت که این جماعت جریان یکدستی نیست و هم اکنون حداقل سه گروه را می‌توان در آن متمایز نمود (نیاکویی، ۱۳۹۱: ٦٦).

اخوان‌المســـلمین با توجه به تحولات و رویکردهای سیاســـی خود به جنبشـــی متکثر و حتی دارای ابعاد متناقض و غیرشـــفاف در کشـــورهای عربی تبدیل شده است. با توجه به ویژگی‌های مردمی تحولات جاری کشـــورهای عربی و گرایش‌های ضداســـتبدادی آن، اخوان‌المســـلمین سعی کرده است تفکر و رویکرد سیاسی خود را با روندهای دموکراتیک منطبق کند؛ و در واقع، به‌دنبال تلفیق دموکراســـی و اسلام‌گرایی بوده است. رویکرد مذکور از یک ســـو، بهره‌برداری اخوانی‌ها از پتانســـیل‌های مردمی را برای دســـتیابی به بخشی از قدرت سیاســـی و از سوی دیگر، افزایش مشروعیت و اعتبار داخلی و بین‌المللی آن را مد نظر قرار داده و هدف آن دشوار کردن هرگونه چالش‌سازی و مانع‌تراشی بازیگران رقیب و مخالف در قبال این جنبش است. اخوان‌المسلمین که از ابتدای تأسیس بر خلافت اسلامی و ســـپس حکومت اسلامی تأکید داشت، متأثر از تحولات اخیر برای ایجاد حکومت عرفی و دموکراتیک متمرکز شده است. بر این اساس، اخوانی‌ها، پذیرش چارچوب‌های عرفی و دموکراتیک در عرصه سیاسی را گزینه‌ای میانه برای مدیریت تحولات و افزایش تأثیرگذاری خود در عرصه سیاسی تلقی می‌کنند (جمعه‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۲). بنابراین، برای اخوان‌المسلمین از ســـویی حضور در انتخابات و تأکید بر اهمیت و جایگاه رأی مردم نشـــان‌دهنده اتخاذ رویکردهای مشـــروع از منظر بین‌المللی و ملی برای کنشـــگری سیاسی است، و از سوی دیگر بر این مسئله دلالت دارد که آنها دارای قدرت تأثیرگذاری گسترده‌ای در جامعه مصر هســـتند که با اتکا به آن می‌توانند به‌عنوان یک نیروی سیاسی روندهای سیاسی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-030327]

نتیجه‌گیری

بـــا بهره‌گیری از چارچوب نظری رابطه ســـاختار ـ کارگزار به این بحث پرداخته شـــد که اخوان‌المســـلمین به‌عنوان یک نیروی سیاســـی و اجتماعی (کارگزار) در بستر ایدئولوژی اسلامی و برخی هنجارهای مدرن (ساختار) از طریق سازمان‌دهی سیاسی و اجتماعی نقش مؤثری در تحولات انقلاب ۲۰۱۱ داشته است.

به‌طور کلی، اخوان‌المسلمین در بســـتری به‌نام جامعه مصر با هویت اسلامی که قریب به ۹۰ درصد از آن را مســـلمانان ـ البته با گرایش‌های مختلف ســـنتی، محافظه‌کار، صوفی، مدرن و نوگرا، انقلابی و افراطی و غیره ـ تشکیل می‌دهد، فعال بوده است. مهمترین ویژگی فکری و ایدئولوژیک این جنبش اتکای آن به مبانی و اصول شـــریعت اســـلامی است که در بســـتر تحولات سیاسی و اجتماعی مصر با ظهور و بروز دگرش‌ها و نگرش‌های جدید و تطبیق و تنازع با شـــرایط نو نیز توأم بوده اســـت. هویت اســـلامی اخوان امکان گفتگو، همسویی و همفکری آن را با جامعه مذهبی اسلامی مصر فراهم نموده است. این به معنای افزایش قابلیت این جنبش و جمعیت در برقراری ارتباط و تعامل با اقشار مختلف، به‌ویژه مصریان مؤمن به شـــریعت اسلامی، اســـت و آن را بیشتر از هر جنبش و تفکر دیگری، که عمدتاً مروج و مبلغ اندیشـــه‌های وارداتی شـــرقی و غربی یا آمیزه‌ای از آنها هستند، برای پذیرش و امکان فهم مردم در دســـترس قرار می‌دهد. همین مســـئله آنها را در مقایســـه با ایدئولوژی‌های دیگر توانمندتر و مقبول‌تر کرده اســـت. پایداری طولانی‌مدت و گســـترش فزاینده اخوان در طی هشـــتاد سال عمر آن، با وجود سرکوب‌های شدید و محدودیت‌های فراوان، مؤید مطلب گفته شده است.

بنابراین، کنشگری اخوان‌المسلمین در بستر و در تعامل با جامعه‌ای صورت گرفته است که ســـنخیت و هویت آن برگرفته از ارزش‌ها، آرمان‌ها، اسطوره‌ها، الگوها و قضاوت‌های اخلاقی آن است. این بدین معنی است که اخوان به‌عنوان یک کارگزار در تعامل با ساختار فرهنگی جامعـــه مصر قرار می‌گیرد. از ســـوی دیگر جمعیت اخوان‌المســـلمین در قالب ســـازمان‌دهی فکری و عملی می‌کوشـــد به‌گونه‌ای جدید در تعامل با چنین ساختاری و با بهره‌گیری از آن، نیروهای اجتماعی را برای پشتیبانی از خود بسیج کند و آنها را به نیروی سیاســـی و اجتماعی نیرومندی در راستای اهداف خود به کارگیرد. این به‌کارگیری و بسیج

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-030327]

نیروهای اجتماعی، با اهداف سیاسی و در تقابل با حکومت به‌عنوان کانون مخالفت‌ها و مهمترین مانع و سّد تحقق ایده‌ها و شعارهای این نیروی سیاسی و اجتماعی صورت می‌گیرد.

علاوه بر این، اخوان‌المسلمین با وجهی دیگر از ساختارهای فرهنگی جامعه مواجه و در تعامل است که آن بخش مدرن و نوگرای جامعه است که حامل و حامی ارزش‌های مدرن بوده و اقشاری مانند بخشی از تحصیل‌کردگان، بوروکرات‌ها، نظامیان و غیره را در بر دارد. در واقع، اخوان علاوه بر تعامل با گروه‌های مذهبی و اقشار سنتی، در تعامل با ساختار جدید نیز قرار داشته و دارد که خود پیامدهای فکری و عملی‌ای را در عملکرد آن برجای گذاشته است. این تعامل و تبادل ایده‌ها و ارزش‌ها در بین طیف‌های مختلف جامعه که با تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل در انطباق با شرایط جدید و ساختارهای قدیم همراه بوده، زمینه تعامل و پذیرش اخوان را فراهم می‌کرده است. تحولات فکری و عملی‌ای که از دهه ۱۹۸۰ به‌تدریج در اخوان اتفاق افتاد و اتخاذ مواضع معتدل و میانه‌روانه و در عین حال توأم با پذیرش و انطباق با اقسام ساختارهای فرهنگی و هماهنگی میان آنها، گویای این نکته است که اخوان‌المسلمین ضمن ارائه ایده و شیوه عمل جدیدی در صدد بوده تا چتر گفتمانی خود را بر بخش بیشتری از جامعه بگستراند و توانسته تعامل و اعتدال قابل قبولی بین ارزش‌های نو و سنت‌های کهن برقرار نماید.

اخوان‌المسلمین در این راستا نیز شیوه‌های عمل خود را دگرگون کرد و با نفوذ و حضور در جامعه مدنی و همچنین اعطای کمک‌های مادی و رفاهی و حضور فعال در عرصه‌های اجتماعی و کمک‌رسانی و نیز رفتار مسالمت‌جویانه در قالب شرکت در انتخابات و نفی خشونت و تروریسم، ضمن افزایش قابلیت‌های خود، اقشار و طبقات مدرن‌تر جامعه را تا حدودی به سوی خود جذب نمود. اقدامات صورت گرفته از سوی جمعیت اخوان‌المسلمین در دهه ۱۹۹۰ نشان‌دهنده اتخاذ استراتژی همزمان اعتدال، تحول فکری و تغییر در شیوه عمل برای انطباق با شرایط جدید و قدرت تعامل با گروه‌های مختلف اجتماعی است. این امر در نهایت نیز موجبات بهره‌برداری آنها را در فرایند تحولات مصر به‌ویژه در جریان تظاهرات منجر به انقلاب در سال ۲۰۱۱ را فراهم آورد که

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-030327]

اخوان توانســـت با بسیج قابل توجهی از مردم و به‌ویژه جوانان به نیروی مؤثری در سقوط نظام مبارک تبدیل شـــود. حتی دامنه تأثیرگذاری اخوان‌المســـلمین به این هم متوقف نشد و این جمعیت توانســـت در انتخابات مجلس و سپس ریاســـت جمهوری به پیروزی‌های چشم‌گیری دست یابد. اهمیت و تأثیرگذاری اخوان را تا جایی می‌توان قابل توجه دانست که حتی بعد از کودتا علیه محمد مرســـی رئیس‌جمهور مورد حمایت و عضو اخوان در ۳ جولای ۲۰۱۳ تاکنون ارتش و مخالفان نتوانســـته‌اند به‌صورت محسوســـی اوضاع را به‌نفع خود تغییر دهند و روشـــن اســـت که قدرت بســـیج عمومی اخوان چیزی همسنگ تمام مخالفان آن اســـت. حضور گسترده موافقان محمد مرسی و هواداران اخوان در خیابان‌های قاهره و دیگر شهرهای مصر، مؤید جایگاه تأثیرگذار اخوان در جامعه مصر و به تبع آن در فضای سیاسی و اجتماعی این کشور است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-030327]

کتابنامه

آقایی، بهمن و خسرو صفوی (۱۳٦٥) **اخوان‌المسلمین**، تهران: نشر رسام.

ابراهیم، محمد و دیگران (۱۳۸٥) **جنبش اسلامی تونس**، جواد اصغری، تهران: اندیشه‌سازان نور.

پناهی، محمدحسین (۱۳۸۹) **نظریه‌های انقلاب: وقوع، فرآیندها و پیامدها**، تهران: سمت.

تیلی، چارلز (۱۳۸۹) **جنبش‌های اجتماعی ۲۰۰٤ - ۱۷٦۸**، علی مرشدی‌زاد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

حسینی، مختار (۱۳۸۱) **برآورد استراتژیک مصر**، تهران: انتشارات ابرار معاصر.

دکمیجان، هرایر (۱۳۹۱) **اسلام در انقلاب، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب**، حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان، چ٦.

سیدالحسینی، اسحاق (۱۳۷٥) **اخوان‌المسلمین بزرگترین جنبش اسلامی معاصر**، سیدهادی خسروشاهی، تهران: اطلاعات.

عنایت، حمید (۱۳۷۰) **اندیشه سیاسی در اسلام معاصر**، تهران: انتشارات امیرکبیر.

کینگ، مری، مهاتما گاندی و مارتین لوتر کینگ (۱۳۸٥)، **قدرت مبارزه عاری از خشونت**، شهرام نقش‌تبریزی، تهران: نشر نی.

مارتین، جی. لی. نور (۱۳۸۹) **چهره جدید امنیت در خاورمیانه**، قدیر نصری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

نیاکویی، سید امیر (۱۳۹۱) **کالبدشکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب**، تهران: نشر میزان.

های، کالین (۱۳۸٥) **درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی**، احمد گل‌محمدی، تهران: نشر نی.

آقاجانی، نصرالله (۱۳۸۹) «پیشگامان بیداری اسلامی در مصر»، **فصلنامه معرفت**، سال نوزدهم، ش ۱٥۱، صص ۱۱۰-۸۹.

اسپوزیتو، جان ال. و جیمز پی. پسیکاتوری (۱۳۸۸) «بازتاب جهانی انقلاب ایران: چشم‌انداز خط مشی‌ها»، در: **انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن**، محسن مدیرشانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، چ۳.

بیات، آصف (۱۳۷۹) «مقایسه جنبش‌های اسلامی در مصر و ایران»، **گفتگو**، ش ۲۹، صص ۱۱٦-۷٥.

بیگدلی، علی (۱۳۷۰) «برخورد ناسیونالیسم با اسلام در مصر»، **پژوهشنامه علوم انسانی**، ش ۷، صص ۱٤۰-۱٥۳.

پورسعید، فرزاد (۱۳۹۰) «بررسی مقایسه‌ای انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال چهارم، ش دوم، صص ۱۹۸-۱٥۹.

جمعه‌زاده، راحله (۱۳۹۱) «وجوه نرم‌افزاری جنبش بیداری اسلامی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، ش ٤۹، سال سیزدهم.

جوانپور، عزیز و میرقاسم بنی‌هاشمی (۱۳۹۰) «جنبش‌های انقلابی عربی؛ چشم‌اندازها و چالش‌های

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-030327]

نوین دولت»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال چهارم، ش ۲، صص ۱۱۰-۷۹.

حافظیان، محمدحسین (۱۳۸۹) «جهانی شدن و مناسبات دولت ـ جامعه در مصر»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، سال دوم، ش ۷، صص ۵۲-۲۵.

حائری قزوینی، سیدیاسر (۱۳۹۰) **سونامی در جهان عرب؛ گفتاری پیرامون تحولات اخیر(۲۰۱۱) در جهان عرب**، تهران: انتشارات امیرکبیر.

خواجه‌سروی، غلامرضا، عباس فرهادی و ناهید قمریان (۱۳۹۱) «بیداری اسلامی و جریان‌های اسلام‌گرا»، **فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام**، سال دوم، ش ۳، صص ٤٠-٥.

رمضان، طارق (۱۳۹۰) «اخوان‌المسلمین؛ تاریخ یک جنبش از بنیادگرایی تا مردم‌سالاری»، ایرج جودت، **ماهنامه ندای اسلام**، سال یازدهم و دوازدهم، ش ٤٤، صص ٦٩-٦٨.

زکریا، فرید (۱۳۸۹) «ریشه‌های انقلاب مصر»، **مهرنامه**، ش ۹.

سلبین، اریک (۱۳۸۷) «نقش کارگزار و فرهنگ در انقلاب‌ها»، در: **مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها**، جک گلدستون (ویراستار)، محمدتقی دلفروز (ترجمه)، تهران: انتشارات کویر.

سلبین، اریک (۱۳۹۰) «انقلاب در جهان واقعی؛ بازنگری کارگزاری»، در: **نظریه‌پردازی انقلاب**، فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی، چ۳.

سلطانی‌فرد، محمدحسین (۱۳۹۰) «تحولات خاورمیانه؛ دگردیسی سیاسی»، **ماهنامه تحلیل‌ها و رویدادها؛ ویژه‌نامه تحولات خاورمیانه**، سال ۲۵، ش ٦٠٥.

فورن،جان (۱۳۹۰) «گفتمان‌ها و نیروهای اجتماعی: نقش فرهنگ و مطالعات فرهنگی در بازشناسی انقلاب‌ها»، در: **نظریه‌پردازی انقلاب**، فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی، چ۳.

گروه مطالعات خاورمیانه، «نقش و تحرکات اخوان‌المسلمین در دگرگونی مصر»، (۱۳۹۲/۰٦/۲۲)، در: http://www.isrjournals.ir/fa/essay/179-essay-farsi-46.html.

محمودیان، محمد (۱۳۹۱) «جنبش اخوان‌المسلمین و آینده سیاست خارجی مصر»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال۱۵، ش اول، صص ۱۲٦-۱۰۳.

موسوی، سیدمحمد، حسین‌علی توتی و سیدمحمدرضا موسوی (۱۳۹۱) «تحولات انقلابی مصر و جایگاه رژیم صهیونیستی در منطقه»، **فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام**، سال دوم، ش ۳، صص ۸۷-۱۱۲.

نبوی، عبدالامیر (۱۳۸٤) «اسلام سیاسی در مصر: گذار به حداقل‌گرایی سیاسی»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، سال دوازدهم، ش۱، صص ۸٦-۵۷.

یزدان‌فام، محمود (۱۳۹۰) «تحولات جهان عرب: صورتبندی قدرت و هویت در خاورمیانه»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال چهاردهم، ش دوم، صص ۷۷-٤۷.

Giddens, Anthony (1984) **The Constitution of Society outlin of Theory of**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-030327]

Structuration, Cambridge Polity Publisher.

Huntington, Samuel (1970) **Political Order in Changing Soceiteis,** Yale Universitiy Press.

Seidmam, Steven (1996) **Contested Knowledge; Social Theory in Post modern Era**. Oxford: Blackwell Publisher.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
۵۴
سال سوم،
شماره سوم،
پاییز ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.20286/priw-030327]